



چرا قرآن را حفظ کنیم؟ (۲)

سید مصطفی حسینی

در شماره ی قبلی، مطالبی در خصوص واژه شناسی و تاریخچه ی حفظ قرآن مطرح نمودیم. هم چنین در این شماره در پاسخ به این سؤال که، چرا باید قرآن را حفظ کنیم، به منابع اسلامی از جمله آیات، روایات و دیدگاه بزرگان دینی مراجعه می نماییم. لذا خوانندگان گرامی ادامه ی مطالب را در سه بخش مطالعه خواهند کرد. بخش اول بررسی آیات در موضوع حفظ قرآن است.

اینجانب مانند بسیاری از خوانندگان محترم، تا مدتها فکر نمی کردم در قرآن کریم راجع به حفظ قرآن سخنی به میان آمده باشد، یا توصیه ای به آن شده باشد؛ تا اینکه تقریباً به صورت اتفاقی به هنگام مطالعه کتاب آشنایی با قرآن شهید مطهری با این مسأله مواجه شدم.

همان گونه که در بسیاری از احکام، آیات صریحی وجود ندارد، در مسأله ی حفظ قرآن نیز صراحتاً آیه ای وارد نشده است؛ لکن مفسرین بزرگ شیعه و سنی، از برخی آیات، مطالب بسیار متقن و مستندی در این خصوص استفاده و مطرح نموده اند. در این نوشتار به برخی از این آیات، و تفاسیری که در ذیل آن نقل شده است، اشاره می شود:

۱- « وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ »؛ سوره مبارکه قمر آیه ۱۷.



بر اساس بسیاری از تفاسیر شیعه و سنی، تفسیر آیه فوق به شرح ذیل می باشد:
ترجمه بر اساس تفسیر: به درستی حفظ، قرائت و فهم قرآن را سهل و آسان قرار دادیم، پس آیا کسی هست تا آن را قرائت نموده و به واسطه ی آن مورد تنبّه و بیداری قرار گیرد؟

در کتب لغت آمده است:

«الذکر»: ذکر و تذکر، نقیض و ضد فراموشی می باشد. «ذِكْرُ الشَّيْءِ»، یعنی به خاطر سپردن و حفظ چیزی، و «استذکار» یعنی فراگیری برای حفظ (لسان العرب- این منظور ج ۴ ص ۳۰۸)

لکن از آنجا که ذکر به دو نوع لسانی و قلبی تقسیم می گردد، همانگونه که الفاظ قرآن برای حفظ و قرائت آسان گردیده است، فهم آن نیز آسان است، و هر کسی در حد خود می تواند از معارف قرآن بهره گیرد.

قرآن از میان سایر کتب آسمانی تنها کتابی است که قابلیت حفظ کردن دارد و ذهن به راحتی آن را برای حفظ می پذیرد و در برخی از احادیث نیز این خصوصیت از موهبت های بزرگ الهی بر امت اسلام،^(۱) و ویژگی های منحصر به فرد قرآن کریم ذکر گردیده است. این ویژگی، این امکان را به مسلمانان می دهد تا در مسائل مختلف، آیات قرآن را در ذهن خود حاضر سازند، و به مقتضای آن عمل نمایند و قرآن همچون سایر کتب آسمانی به ورطه فراموشی و تحریف سپرده نشود.

در ذیل، به بیان برخی از تفاسیر این آیه شریفه می پردازیم:

- مرحوم طبرسی مفسر بزرگ شیعه در تفسیر مجمع البیان می فرماید:
 «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ»؛ یعنی به درستی که قرآن را آسان کردیم از برای حفظ و قرائت، به نحوی که کل آن از حفظ تلاوت می شود. و از میان کتب آسمانی، قرآن تنها کتابی است که قابلیت حفظ را دارا است. و تیسیر از برای شیء، آسان کردن آن است، به نحوی که مشقت زیادی در آن بر نفس نباشد. (۲)

- علامه مجلسی تفسیر بسیاری از آیات را در مجموعه ی بحار الأنوار آورده است؛ ایشان در ذیل آیه ی مورد بحث، این گونه می فرماید:

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ»؛ معنی تیسیر قرآن برای ذکر، این است که قرآن به صورت قطعات مختلفی قرار داده شده است که بین هر کدام از قطعات، هماهنگی خاصی برقرار است که تلاوت آیه اول، آیه دوم را در ذهن تداعی می کند؛ در نتیجه قرائت آن از حفظ آسان می شود. (۳)

- علامه شهید، استاد مرتضی مطهری در کتاب آشنائی با قرآن در ذیل آیه شریفه





می فرمایند:

بیشتر احتمال می دهند که مقصود این باشد که ما قرآن را با عباراتی فصیح و ساده نازل کردیم «لذکر» برای اینکه شما - بعضی مثل مجمع البیان می گویند [لذکر] یعنی للحفظ، که حفظ کنید، ضبط کنید؛ و قرآن از کتابهایی است که آمادگی اش برای حفظ شدن از هر کتاب دیگری بیشتر است. عجیب است! شعر را می شود حفظ کرد، و قرآن شعر هم نیست، نثر است! یک کتاب نثر در دنیا نمی توان پیدا کرد، که بشود چهار صفحه اش را حفظ کرد؛ ولی قرآن در اثر آن سلاست فوق العاده ای که در عبارات و کلماتش هست، این خاصیت را دارد. وقتی کلمات، خیلی سلیس باشد [زود حفظ می شود] شما در خود شعرها می توانید امتحان کنید. شعرهای سعدی را خیلی زود می شود حفظ کرد؛ برای اینکه کلمات آن سلیس است؛ یعنی هر کلمه ای نسبتاً در جای خودش قرار گرفته است. بعد که انسان حفظ کرد، دیر فراموش می کند چون به معنی واقعی، سلاست دارد. ولی انسان اگر بخواهد یک قصیده خاقانی را حفظ کند جانش در می آید؛ با اینکه قصاید او هم خیلی فصیح و بلیغ است، ولی سلاست [اشعار] سعدی را ندارد. گرچه هر شعری به دلیل شعر بودن و آهنگین بودن قابل حفظ است؛ ولی شعرها نیز با هم متفاوت است. در میان نثرها تنها کتاب نثری در عالم که قابل حفظ کردن است، یعنی اصلاً ذهن آن را برای حفظ کردن می پذیرد، قرآن است. شما کتاب نثر دیگری در عالم نمی توانید پیدا کنید که انسان بتواند عبارت های آن را حفظ کند.

نکته قابل توجهی که از این آیه استفاده می شود و در خارج نیز محقق شده است، این است که هیچ کدام از کتابهای آسمانی جز قرآن، قابلیت حفظ کردن را ندارند. همانگونه که سایر کتب، قابلیت قرائت با صوت و الحان زیبا را نیز ندارند؛ و الا با توجه به اینکه غرب در فن موسیقی از مسلمانان جلوتر است، حتماً برای ترویج تورات و انجیل از آن استفاده می کردند. (آشنائی با قرآن - ج ۵ ص ۲۲۷).

۲- «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ»؛
(سوره مبارکه ی عنکبوت آیه ی ۴۹).

بنابر تفاسیر مختلف شیعه و سنی، تفسیر آیه فوق بدین شرح است:

ترجمه و تفسیر: قرآن آیاتی روشن و واضح الدلاله است، که جایگاه آن سینه صاحبان علم است، و مراد از صاحبان علم، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ائمه (علیهم السلام) و مؤمنان به ایشان هستند، که آیات قرآن را به خاطر می سپارند و معانی آن در قلب آنان رسوخ کرده و نقش می بندد. این از خصوصیات کتاب قرآن و امت اسلام



می باشد؛ چرا که با جای گیری آیات در قلوب مؤمنین، دیگر امکان هیچ گونه تحریف و تغییر در کتاب، ممکن نخواهد بود؛ و همچنین پیوندی ناگسستنی میان آیات الهی و جان و دل مؤمنین برقرار گشته و همچون چراغی، راهنمای عبور از گردنه ها و بحران ها خواهد بود.

مرحوم طبرسی نیز در تفسیر جوامع الجامع می فرماید: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»؛ بلکه این قرآن آیات روشن و آشکاری است در سینه کسانی که علم به آنها عطا شده و آنها پیامبران، ائمه (علیهم السلام) و دانشمندانی هستند که قرآن را حفظ می کنند و در سینه های خود نگه می دارند و معنای آن را در دل های خود نقش می کنند، و این دو از خصوصیات قرآن است که هم معجزه بودن آیات آن روشن است، هم در سینه ها حفظ می شود، و هم بیشتر آن را حفظ دارند و می خوانند؛ به خلاف سایر کتابهای آسمانی که نه معجزه اند، و نه خوانده می شوند، مگر از روی نوشته ها. (جوامع الجامع، ج ۵، ص: ۱۰)

در برخی روایات آمده است که مراد از «أوتوا العلم»، ائمه (علیهم السلام) می باشند. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می فرماید:

... مرحوم کلینی در کتاب اصول کافی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که در مورد آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، فرمود: منظور از اینان که علم داده شده اند، ائمه اند (علیهم السلام).

این معنا در کافی و در بصائر الدرجات به چند طریق روایت شده، و منظور در همه آنها، تطبیق کلی بر فرد بارز آن است؛ به دلیل اینکه در روایت دیگری آیه را منحصر در ائمه (علیهم السلام) ندانسته اند. (تفسیر المیزان - السید الطباطبائی ج ۱۶ ص ۱۴۲) در واقع بنابر نظر علامه طباطبائی، ائمه (علیهم السلام) مصداق اتم و اکمل این آیه هستند، نه تنها مصداق آن.

۳- «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا» (سوره مبارکه ی احزاب آیه ی ۳۴).

ترجمه و تفسیر: خداوند تبارک و تعالی در آیاتی از این سوره دستوراتی را خطاب به زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) فرموده است که آیه مذکور یکی از این سلسله آیات می باشد. خداوند می فرماید: ای زنان پیامبر! آنچه از آیات الهی و سنت پیامبر در خانه های شما تلاوت می گردد، به خاطر سپرده و حفظ نمایید؛ تا همیشه آیات آن را به یاد داشته باشید و مطابق آن عمل نمائید. «فراز فی بیوتکن»، بر این مطلب تأکید دارد که با وجود قرار گرفتن شما در خانه هایی که محل تلاوت قرآن و سنت





پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) است، باید این موهبت الهی را قدر دانسته و الگویی برای سایرین باشید.

و خطاب اگر چه نسبت به ایشان است، لکن سایر مسلمانان را نیز در بر می گیرد؛ چرا که بنای شریعت اسلام بر قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) می باشد.

در تفسیر شریف المیزان در ذیل این آیه چنین آمده است:
 «وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا»؛ از ظاهر سیاق آیه بر می آید، که مراد از «ذکر»، معنای مقابل فراموشی باشد، که همان یاد آوری است؛ چون این معنا مناسب تأکید و تشدید است که در آیات شده است. در نتیجه این آیه به منزله سفارش و وصیتی است، بعد از وصیت به امتثال تکالیف، که قبلاً متوجه ایشان کرده است؛ و در کلمه «فِي بُيُوتِكُنَّ» تأکیدی دیگر است؛ چون می فهماند مردم باید امتثال امر خدا را از شما یاد بگیرند. آن وقت سزاوار نیست، شما که قرآن در خانه هایتان نازل می شود، اوامر خدا را فراموش کنید.

و معنای آیه این است: که شما زنان پیغمبر باید آنچه را که در خانه هایتان از آیات خدا و حکمت تلاوت می شود، حفظ کنید، و همواره به خاطرتان بوده باشد، تا از آن غافل ننمایید، و از خط سیری که خدا برایتان معین کرده تجاوز مکنید.

این است معنای آیه، نه آنکه دیگران گفته اند که: مراد از ذکر، شکر خدا است. خصوصاً با عنایت به انتهای آیه که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا» (۴)
 مبنای تفسیری علامه بر این است که اواخر آیات، با مفاهیم ارائه شده در صدر آیه مرتبط است؛ لذا در صورتی که قرار بود واژه ی ذکر در آیه به معنای شکر باشد، باید انتهای آیه با جمله ای همچون «سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» یا «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» پایان می پذیرفت.

صفت «لطیف» و «خبیر»، بیشتر به جنبه ی علم و آگاهی خداوند بر می گردد (۵) و در واقع خداوند در این آیه جنبه ی علم و آگاهی خود را به رخ کشیده است، و این با حفظ مناسب تر است؛ چنانچه در آیه ۱۰۳ سوره ی انعام، نیز آنجا که صحبت از ادراک خداوند شده است، آیه با جمله ی «وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» پایان پذیرفته است. (۶)

در مجمع البیان آمده است:
 «اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ»؛ قتاده گوید: شکر کنید خدای تعالی را در خانه هایی که در آن قرآن و سنت تلاوت می شود.



و بعضی گفته‌اند: «اذکرن»، یعنی حفظ کنید آن را، و همیشه به خاطر شما باشد، تا به موجبش عمل کنید، و این تحریر و تأکید ایشان است بر حفظ قرآن و احادیث، و مذاکره کردن آنها قرآن و سنت را با یکدیگر، و خطاب اگر چه اختصاص به ایشان دارد، لکن غیر ایشان هم در این موضوع با آنها مشارکت دارند؛ برای آنکه بنای شریعت بر قرآن و اخبار خاندان رسالت است، پس همه امت اسلام باید اهمیت به حفظ قرآن و اخبار دهند. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۵۶۱)

مهمترین آیاتی که در ارتباط با مسأله حفظ قرآن، مورد بحث مفسرین قرآن کریم قرار گرفته است، آیات فوق می‌باشد لکن در ذیل آیات دیگری از جمله: آیه ۹ سوره حجر، (۷) آیه ۱۱۳ سوره آل عمران، (۸) آیه ۲۰ سوره مزمل، (۹) آیه ۱۲۶ سوره طه (۱۰) و آیه ۲ سوره الرحمن (۱۱) و در آیات دیگری از قرآن به مناسبت، مباحثی در این ارتباط طرح گردیده و در فضل حفظ و حافظ قرآن سخن رانده شده است. علاقمندان جهت مطالعه بیشتر، به «کتاب چرا قرآن را حفظ کنیم» که توسط انتشارات جامعه القرآن الکریم انتشار یافته است، مراجعه نمایند.

نتیجه ی بررسی آیات:

– خداوند متعال حفظ قرآن را آسان قرار داده است: « وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ. خداوند حکیم، این ویژگی را عبس و بیهوده در این کتاب آسمانی قرار نداده است، و مطابق احادیث، حفظ قرآن یکی از موهبت‌های بزرگ پروردگار بر امت اسلام است؛ پس بر هر مسلمانی است که در هر اندازه ای که در توان دارد، از قرآن حفظ نموده و از آیات نورانی آن بهره گیرد؛ چرا که خداوند دوست می‌دارد، اثر نعمت خود بر بندگانش را ببیند، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ...» (بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۱۶۱)

– خداوند در قرآن کریم جایگاه قرآن را سینه‌ها و قلوب مؤمنان معرفی می‌نماید، نه صرفاً بر روی اوراق و مصحف‌ها: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ»؛ پیداست، هنگامی مؤمنان نهایت استفاده را از این آیات در بار خواهند برد، که سینه خود را مملو از این آیات نورانی سازند. – پروردگار، به زنان پیامبر که انتساب به او دارند، و می‌باید الگو و اسوه ای نیکو برای مسلمانان باشند، امر می‌فرماید، تا از حضور خود در خانه رسالت بهره بگیرند و آنچه از آیات الهی و احادیث پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در آن خوانده می‌شوند، به خاطر سپارند.





«وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا»؛ دلیل این امر، آن است که دائماً آیات الهی در ذهن ایشان باشد و به موجب آن عمل نمایند. پس سزاوار است مسلمانان نیز در این مسأله از ایشان پیروی نمایند، تا از برکات و فواید این کار بهره مند گردند.

از آیاتی که مطرح شد، روشن گردید که یکی از خصوصیات منحصر به فرد قرآن کریم، قابلیت از بر کردن آن است که خداوند متعال آن را به امت اسلام ارزانی داشته است. در شماره های بعدی، دیگر خواص و آثار حفظ قرآن را از لسان روایات و دیدگاه بزرگان مطرح خواهیم کرد.

پاورقی:

۱ - این تعبیر در برخی روایات آمده است که خداوند متعال خطاب به نبی مکرم اسلام (ص) می فرماید: ... «جعلت صدور أمتك أناجيل يقرؤون القرآن ظاهراً ولم أعطها أمه...»؛ من سینه های امتت را انجیل های آنان قرار دادم که قرآن را از حفظ تلاوت می نمایند و به هیچ امتی این را عطا نکردم ... (البدایه والنهایه - ابن کثیر ج ۶ ص ۳۱۵)

۲ - و لقد يسرنا القرآن للذكر؛ ای سهلناه للحفظ و القرائه حتى يقرأ كله ظاهراً، و ليس من كتب الله المنزله كتاب يقرأ ظاهراً الا القرآن والتيسير للشبي هو تسهيله بما ليس فيه كثير مشقه على النفس (مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۹، ص: ۲۸۷)

۳ - و معنى تيسير القرآن للذكر، على ما مر في ج ۸۵ ص ۴، أن القرآن قد جعل ذا قطعات مختلفه تلتئم كل قطعه في حد نفسه بحيث يتداعى قراءه الايه الاولى منها ذكرى الايه الثانيه وهكذا، فيسهل ذكرها وقراءتها من حفظ، ومصداق هذه القطعات في هذه السوره عند تمام قوله عز وجل: «ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر» (بحار الأنوار - العلامة المجلسي ج ۸۸ ص ۱۴۰)

۴ - الميزان، ج ۱۶، ص: ۳۱۴

۵ - «لطيف» يعنى كسى كه به تمام ظرايف وجودى ما آگاه است، ولى ما با حواس پنجگانه ى خود به او آگاهى نداريم. و «خبير» كسى است كه بسيار آگاه است.

«هُوَ اللَّطِيفُ»؛ او دقیقتر از آن است که دیدگان بتوانند او را دریابند. «الْخَبِيرُ» نسبت به هر چیز، هر چه دقیق باشد، آگاه است و از دیدگاه او بیرون نیست. (ترجمه جوامع الجامع، ج ۲، ص: ۲۳۰)

۶ - لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ .

۷ - إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ

۸ - لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْتَجِدُّونَ . (رك البرهان، الزركشى ج ۱ ص ۴۵۸)

۹ - فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ .

۱۰ - قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى . تحفه الأحمدي (ج ۸ ص ۲۱۱ بحر العلوم، ج ۲، ص: ۴۱۷)

۱۱ - عَلَّمَ الْقُرْآنَ (تفسير القرطبي، القرطبي ج ۱۷ ص ۱۵۲)

